

۱۴۱۶۸۲۲

حکایت توبه ایاز

جلال الدین محمد بلخی

به کوشش : نورالله دالوند

انتشارات وشاق

چاپ اول ۱۳۹۵

سرشناسه: بلخی مولوی، جلال الدین محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق
عنوان قراردادی: مثنوی معنوی، حکایت توبه ایاز، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: حکایت توبه ایاز، مثنوی معنوی بر اساس نسخه رینولد نیکلسون /تالیف مولانا جلال الدین

محمد بلخی /به کوشش نورالله دالوند

مشخصات نشر: تهران، وشاق، ۱۳۹۵،

مشخصات ظاهری: ۶۴ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۱-۳۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی ق ۸

شناسه افزوده: نورالله دالوند ۱۳۵۷

دبندی دیوبی: ۸۴۱/۳۱

رده بند: حکره: الف ۱۳۹۵ / آ ۱ ۵۲۹۹ PIR

شمار کتابشناسی ملی: ۵۱۰۵۵۹۳

انتشار، اول، وشاق

تهران انقلاب خیابان لباقی براد پ ۱۱۷ تلفن ۶۶۴۱۶۹۱۳

yazdarpuu@gmail.com

حکایت توبه ایاز

جلال الدین محمد بلخی

به کوشش: نورالله دالوند

ناشر: وشاق

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۱-۳۵-۹

تیراژ: ۴۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

زندگی مولانا جلال الدین محمد بلخی

جلال الدین محمد بلخی در سال ۵۸۶ هجری شمسی در بلخ به دنیا آمد. نام او محمد و لقبش در دوران حیات جلال الدین و گاهی خداوندگار و مولانا خداوندگار بوده و لقب مولوی در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن نهم) برای وی به کار رفته است. پدر او مولانا محمد بن حسین خطیبی است که به بهاء الدین ولد معروف بود و او را با لقب سلطان العلماء نیز یاد کرده‌اند. بهاء ولد از اکابر صوفیه و اعظم عرفا بود و خرقه او به احمد غزالی می‌پیوست.

وی در علم عرفان و سلوک سابقه‌ای دیرین داشت و از آن رو که میانه خوشی با قیل و قال و جدال نداشت و علم و معرفت حقیقی را در سلوک باطنی می‌دانست و نه در مباحثات و مناقشات کلامی و خطبی، رجمداران کلام و جدال با او از سر ستیز درآمدند از آن جمله فخر الدین رازی بود که استاد سابقان محمد خوارزمشاه بود و بیش از دیگران شاه را بر ضد او برانگیخت. جلال الدین محمد ۱۳ ساله بود که به هند راه رفت و بلخ را ترک کرد.

وی شهر به شهر و یار به یار رفت و در طول سفر خود با فرید الدین عطار نیشابوری نیز ملاقات کرد و بالاخره علاء الدین قیسان صاحب فرستاد و او را به قونیه دعوت کرد. او از همان بدو ورود به قونیه مورد توجه عام و خاص قرار گرفت.

سرانجام پدر مولوی در حدود سال ۶۲۸ هجری قمری درگذشت و در دیار قونیه به خاک سپرده شد. در آن زمان مولانا جلال الدین ۱۷ ساله بود.

مولانا در آستانه ۴۰ سالگی مردی به تمام معنی، با رفاه و دانشمند دوران خود بود و مریدان و عامه مردم از وجود او بهره‌ها می‌بردند تا اینکه قلندری گمنام و شایسته پوش به نام شمس الدین محمد بن ملک داد تبریزی به قونیه آمد و با مولانا برخورد کرد و کتاب دیدارش قلب و روح مولانا را بگداخت و شیدایش کرد.

پیوستن شمس به مولانا در حدود سال ۶۴۲ هجری قمری اتفاق افتاد. به گفته آتش حسادت مریدان زیانه کشید. آنها می‌دیدند که مولانا مرید ژنده پوشی گمنام شده و به توجهی به آنان نمی‌کند از این رو فتنه جویی را آغاز کردند و در عیان و نهان به شمس تاسا می‌زدند و همگی به خون شمس تشنه بودند. جلال الدین محمد در سال ۶۵۲ شمسی در سن ۵۰ سالگی در قونیه فوت کرد و مقبره این شاعر بزرگ در همان شهر قرار دارد.

نورالله دالوند

خرم آباد

بهار ۱۳۹۵